



Validation and standardization of Four Factor Parenting Questionnaire in mothers of elementary school students

Mojtaba rahimi Ph.D Student

psychology, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Hossein molavi, ph.D

Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Mojtaba Ansari shahidi, ph.D

Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Akram dehghani, ph.D

Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Abstract

The purpose of this study was to determine validation and standardization of Four Factor Parenting Questionnaire in mothers of elementary school students. Therefore 200 mothers who referred to the Psychological Services and counseling center of Isfahan ministry of Education were randomly through convenience sampling selected and were asked to answer the Baumrind Parenting Style Inventory (Baumrind) and the items of Four Factor Parenting Questionnaire that is designed by Shyny (2017) based on the eastern parenting cultural context. The results of confirmatory factor analysis showed that the four factor model fitted the data on the factors were named: Authoritarian, Authoritative, Permissive and Uninvolved (P-VALUE=0.00000). Also the concurrent validity coefficients of the questionnaire with the Baumrind Parenting Style Inventory were satisfactory. The cronbach alpha coefficients of the factors were also higher than .80. The results show that the Four Factor Parenting Questionnaire has appropriate characteristics and totally can be used in the Iranian sample and can use it for treatment aims and research.

Keyword: validation, standardization, parenting styles, reliability.

اعتبارسنجی و هنجاریابی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری چهار عاملی در مادران دانش آموزان دوره ابتدایی

مجتبی رحیمی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

حسین مولوی*

استاد گروه روان‌شناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مجتبی انصاری شهیدی

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

اکرم دهقانی

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش اعتبارسنجی و هنجاریابی پرسشنامه سبک فرزندپروری چهارعاملی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مادرانی بود که دانش آموز ابتدایی داشتند و به مرکز خدمات روانشناختی و مشاوره اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان مراجعه کردند و از میان آنها ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش، پرسشنامه شیوه فرزندپروری باوریند (Baumrind) و پرسشنامه سبک فرزندپروری چهار عاملی بود که توسط شینی (2017) (shyny, 2017) متناسب با سبک‌های فرزندپروری شرقی ساخته شده است. به منظور تعیین روایی از تحلیل عاملی تاییدی، روایی همزمان و روایی صوری و برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی تاییدی، برازش قابل قبولی برای ساختار مکنون پرسشنامه برای چهار عامل استبدادی، اقتداری، سهل‌گیر و غافل بدست داد (P=0.0). همچنین نتایج روایی همزمان نشان داد پرسشنامه از روایی مطلوبی برخوردار است. ضرایب آلفای کرونباخ نیز نشان داد که پایایی عوامل چهارگانه از ۰/۸۱۹ تا ۰/۸۵۳ می‌باشد که نشان می‌دهد پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. یافته‌ها تایید می‌کنند این پرسشنامه، ابزار مناسبی برای سنجش سبک‌های فرزندپروری در جامعه ایران می‌باشد و می‌توان از آن برای اهداف درمانی و پژوهشی استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: اعتبارسنجی، هنجاریابی، سبک‌های فرزند پروری، پایایی.

مقدمه

2006; Curtner-Smith, Culp, Culp, Scheib, Owen & et al, 2006; Goldstein, Harvey & Friedman-Weieneth, 2007; Miller-Lewis, Baghurst, Sawyer, Prior, Clark & et al, 2006). همچنین مشخص شده است که سبک‌های فرزندپروری در دستاوردهای رشدی اشخاص در حیطه های مختلف نقش مهمی بازی می‌کند (Collins, Maccoby, Steinberg, Hetherington & Bornstein, 2000; Bornstein & Genevro, 2014; Chen, 2015; Kenney, Lac, Hummer, Grimaldi & LaBrie, 2015; Doctoroff & Arnold, 2017; Perry, Daniels & Magarey, 2017). شده است که پژوهشگران درخصوص سبک‌های فرزندپروری به بحث و بررسی پرداخته و الگوهای مختلفی را ارائه دهند. نویسندگان مختلف بیان می‌کنند که سبک فرزندپروری اساس دو بعد جداگانه انجام می‌پذیرد: پاسخگری (Being responsive) یا گرمی (warmth) و درخواست گری (requesting) یا کنترل (García, Serra, Zacarés & García, 2018; Musitu & García, 2001; Martínez, García, Musitu & Yubero 2012; Gorostiaga, Aliri, Balluerka & Lameirinhas, 2019) و یکی از مهمترین آنها نظریه بامریند (Baumrind, 1971) است.

بر اساس نظریه بامریند، فرزند پروری با ترکیب دو بعد درخواست گری (شامل معیارها و الزامات بالا و کنترل) و پاسخ گری (مستلزم محبت، پذیرش، حمایت و حساسیت والدین)، چهار شیوه فرزند پروری را به وجود می‌آورند که پژوهش بامریند در مرحله اول فقط بر سه شیوه آن متمرکز شد: مقتدرانه (authoritative)، مستبدانه (authoritarian)، سهل گیرانه (permissive). پس از آن بامریند با همکاری مک کوبی و مارتین، سبک غافل (neglectful) را از سبک سهل گیر جدا نموده و در نتیجه والدین دارای سبک فرزند پروری غافل نیز به این گروه اضافه گردیدند (Smetana, 2010). بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار کرد که روش موثر را از روش نه چندان موثر فرزندپروری تفکیک می‌کند. این سه ویژگی عبارتند از: کنترل، اعطای استقلال، پذیرش روابط نزدیک.

میزان مطالعه در مورد کودکان رو به افزایش بوده و در آنها روی نفوذی که والدین در رشد کودکان دارند تاکید گردیده و این پژوهش‌ها بویژه بر نقشی که الگوهای رفتاری والدین به عنوان سبک فرزندپروری بازی می‌کنند، تاکید می‌کنند (Gorostiaga, Aliri, Balluerka & Lameirinhas, 2019). سبک های فرزند پروری به الگوهای تربیت کودک گفته می‌شود که فعالیت ها و پاسخ های والدین به رفتارهای کودک را مشخص می‌کند (Desjardins, Zelenski & Coplan, 2008). پدر و مادری کردن یا والدگری به عنوان یک مفهوم بر این فرضیه قرار داده شده که والدین در مسائل مربوط به فرزندانشان درگیر می‌شوند و این نشان دهنده یک رویکرد سیستمی پویا و فعال است که از گسترش رابطه بین کودک با پدر و مادر ادراک می‌شود و آنچه از این رابطه پیدا شده است طیف وسیعی از اثرات دو طرفه و تعاملی بین ویژگی‌های رفتار کودک با پدر و مادر است (Zubrick, 2008). والدین در تعیین محیط اجتماعی و فیزیکی کودکانشان به طور مستقیم نقش ایفا می‌کنند و به واسطه فرآیند مدلسازی، رفتارها و نگرشهای کودکانشان را در زمینه های اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهند (Ritchie, Welk, Styne, Gerstein, & Crawford, 2005). کلیدی که پیش بینی‌کننده نتایج مثبت برای کودکان در اوایل و سالهای میانی زندگی می‌باشد، مهارتهای فرزندپروری صحیح است (Wake, Nicholson, Hardy, & Smith, 2007). سبک‌های فرزندپروری بیان‌کننده روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان محسوب میشود و عامل مهمی برای تحول و یادگیری کودکان (Hollenstein, Granic, Stoolmiller & Snyder, 2004) و نوجوانان می‌باشد (Arusubila & Subasree, 2016). مطالعات زیادی اهمیت نقش پژوهش در سبک فرزند پروری در رشد کودکان را تصدیق کرده اند (shyny, 2017) و از فرزندپروری، به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در بروز یا تداوم مشکلات رفتاری کودکان یاد کرده اند (Pardini, Fite & Burke, 2008; Tellegen & Sanders, 2012; Diaz, 2005; Schudlich & Cummings, 2007; Kapungu, Holmbeck & Paikoff,

با توجه به اهمیت رشدی سبک‌های فرزندپروری برای فرزندان، پرسش‌نامه‌های اندکی برای سنجش سبک‌های فرزندپروری ساخته شده است و اکثر ابزارهای سبک‌های فرزندپروری تا این زمان به وسیله دیگر فرهنگ‌ها ساخته شده اند (shyny, 2017) و در ضمن، حتی استفاده از بخشهای پرسشنامه‌های غربی به دلیل خطر تحمیل کردن قالب فرهنگ غربی که ممکن است باعث گم شدن روابط کلیدی در فرهنگهای غیرغربی شود، در ساختن پرسشنامه در فرهنگهای غیرغربی مجاز نیست (Batool & Mumtaz, 2015) به همین دلیل پژوهشگرانی تصمیم گرفتند ابزارهایی متناسب با سبکهای فرزندپروری شرقی بسازند (2014, Abdul Gafor & Kurukkan)؛ در ضمن آن‌ها فقط سه سبک فرزندپروری مورد نظر ابتدایی بامریند را در نظر می‌گیرند و بعضی‌ها مشترک برای کودکان و والدین هستند. با توجه به مطالب ذکر شده، ضرورت انجام این پژوهش اینست که نویسندگان برای ساخت یک مقیاس سبک‌های فرزند پروری در زمینه و بافت فرهنگی شرق، که هر چهاربعد فرزندپروری را نیز ارزیابی کند، احساس نیاز می‌کنند. بنابراین هدف از انجام این پژوهش اعتبارسنجی و هنجاریابی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری چهار عاملی در مادران دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش پژوهش: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مادرانی بود که دانش‌آموز دوره ابتدایی (۶ تا ۱۲ ساله) داشتند و به مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی اداره کل آموزش پرورش استان اصفهان مراجعه کردند و از میان آنها ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه به شیوه در دسترس انتخاب شدند. به مادران، پرسشنامه داده می‌شد و با وجود توضیحات کامل داده شده در پرسشنامه، به صورت شفاهی هم توضیحات برای آنها داده شد. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل جمع‌آوری شدند. زمان اجرای پرسشنامه به طور متوسط ۱۵ دقیقه بود و هنگام اجرا سعی بر این بود که در صورت وجود هر گونه مشکل که روی اجرا تاثیر منفی داشته باشد، اشکال برطرف شود تا مادران در محیطی آرام، بدون

در فرزند پروری مقتدرانه، ماهیت دو سویه تعامل والد - کودک به شکل داشتن توقع بالا از فرزندان، تشویق استقلال آنها و به رسمیت شناختن عامیلت کودک است؛ بدین معنی که آنها به طور مستمر پاسخگو هستند و فرزندان خود را به داشتن استقلال تشویق می‌کنند در حالی که برای اعمال او محدودیتها و کنترلهایی قرار می‌دهند (Kopko, 2007). در این سبک والدین واجد خصوصیتی مثل سطح بالایی از درخواست گری و پاسخ گری می‌باشند (García & Martínez, 2007). در فرزندپروری مستبدانه، ماهیت تعامل، کنترل خیلی زیاد روی اعمال و رفتار کودک به همراه اعطای کم استقلال و پذیرش و صمیمیت کم می‌باشد؛ بدین معنی که والدین با فرزندشان در مورد قواعد، مقررات و معیارهای خانواده صحبت نمی‌کنند (Kopko, 2007). والدین مستبد سعی می‌کنند رفتارها و نگرشهای فرزندان خود را بر اساس مجموعه ای خاص از معیارهای دشوار شکل داده، کنترل و ارزیابی نمایند و آنها برای کنترل، از تنبیه استفاده می‌کنند (Steinberg & Silk, 2002). این والدین دارای خصوصیتی مثل حمایت هیجانی کم، بی عاطفه، عدم توجه به نیازهای رشدی کودک، منضبط و سخت گیر می‌باشند (Rhee, Lumeng, Appugliese, Kaciroti & Bradley, 2006). در فرزند پروری سهل گیرانه، ماهیت تعامل، داشتن انتظارات خیلی کم از کودک به همراه مهرورزی زیاد می‌باشد بدین معنی که والدین خیلی گرم و پذیرا و منفعل هستند و معتقدند که برای اثبات علاقه به فرزندان باید آنچه می‌خواهند به فرزندان داده شود (Kopko, 2007) اما انتظار خیلی کمی از کودک خود دارند (Rhee, Lumeng, Appugliese, Kaciroti & Bradley, 2006). والدین سهل گیر هر چند استقلال را تشویق می‌کنند اما کمتر به هدایت کودک می‌پردازند و کمتر در مقابل بدرفتاری فرزندان خود واکنش نشان می‌دهند (Abar, Carter & Winsler, 2009). در فرزندپروری بی اعتنا یا غافل، ماهیت تعامل بدین صورت است که پدران و مادران گرمی و توجه کمی به کودک خود دارند و یا خیلی کم فرزندان را حمایت و راهنمایی می‌کنند و گاهی اصلاً آنها را راهنمایی نمی‌کنند (Abar, Carter & Winsler, 2009).

اجتماعی، آموزشی و شخصی. این پرسشنامه در کشور هند هنجاریابی گردید. شرکت کنندگان در هنجاریابی ۴۷۶ زن و ۳۶۵ مرد از ایالت کارالا در هند را شامل می‌شدند. اعتبار و پایایی پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت (shyny, 2017).

روش اجرا و تحلیل داده ها

درباره روند آماده سازی این پرسشنامه، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در ابتدا پرسشنامه، به فارسی ترجمه و به دنبال آن از دو متخصص زبان انگلیسی درخواست گردید که آنرا به انگلیسی برگرداند. تفاوت موجود بین نسخه های انگلیسی و فارسی ارزیابی شده و از طریق فرایند مرور مکرر این تفاوت ها به حداقل ممکن رسید. بر این اساس، مترادف معنایی دو نسخه فارسی و انگلیسی به دقت مورد بررسی قرار گرفت. به دنبال آن چند نفر از اعضای هیات علمی روایی محتوا و تطابق فرهنگی پرسشنامه را تایید کردند. پس از آماده شدن ترجمه نهایی مقیاس، در یک بررسی مقدماتی، پرسشنامه به ۳۰ نفر از والدین داده شد تا نظر آنان در مورد فهم گویه ها مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس آنچه اظهار شد گویه شماره ۱۵ ((با این که من هدف مشخص و برنامه ای برای آینده فرزندم دارم، به خاطر آسان گیری و مهربانی خودم، نمی توانم سخت آنها را دنبال کنم)) گویه ای بود که اکثریت افراد، فهم آن را مشکل ذکر کردند؛ نهایتاً بر اساس نظر گروه بررسی مقدماتی و گروه مترجمان به این صورت تغییر یافت: ((با این که من هدف مشخص و برنامه ای برای آینده فرزندم دارم، به خاطر آسان گیری و مهربانی خودم، نمی توانم با قدرت آن اهداف و برنامه ها را دنبال کنم)).

با توجه به ماهیت این پژوهش بهترین شیوه برای روایی این پژوهش، روایی سازی است و از میان روشهای روایی سازی، مهمترین و بهترین روش، روش تحلیل عوامل است. تحلیل عاملی یک روش آماری چند متغیری است که در تحلیل جداول یا ماتریسهای ضرایب همبستگی به کار می‌رود (Hooman, 1384). در واقع به منظور آزمون این فرضیه از تحلیل عامل تأییدی بهره گیری شد. در تحلیل عاملی تأییدی، که هدف پژوهشگر، تایید ساختار عاملی ویژه ای می

سر و صدا و بدون هر گونه عوامل مزاحم بتوانند به عبارات پرسشنامه پاسخ مناسب بدهند. به هنگام اجرا از مادران خواسته شد که به همه پرسشها پاسخ دهند.

ابزارها

پرسشنامه سبک فرزند پروری بامریند (BPSI): این پرسشنامه بر اساس نظریه بامریند توسط بوری (Buri, 1991) طراحی شد و دارای ۴۸ سوال بود و پس از مطالعات روانسنجی تبدیل به ده سوال برای شیوه مستبدانه گردید؛ مانند بچه ها باید فقط از آن چه والدینشان می گویند، پیروی کنند، در غیر اینصورت باید آنها را تنبیه کرد. ده سوال برای شیوه سهل انگارانه، مانند والدین باید به بچه های خود اجازه دهند تا هر آن چه را که می خواهند، انجام دهند و ده سوال برای شیوه مقتدرانه مانند اگر والدین تصمیمی برخلاف میل بچه ها گرفتند، باید با بچه ها گفتگو کنند و حتی اگر در تصمیم خود اشتباه کرده بودند، آن را بپذیرند. بوری میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از بازآزمایی در بین گروه مادران به شرح زیر گزارش نموده است: ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه، ۰/۶۸، برای شیوه مستبدانه، ۰/۷۸ برای شیوه مقتدرانه. در سال ۱۳۹۶ مینایی و نیکزاد ساختار عاملی و پایایی آنرا بر روی ۵۷۶ نفر از مادران دارای فرزند دوره ابتدایی در شهر تهران مورد ارزیابی قرار دادند. یافته ها نشان دادند که پرسشنامه از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است (Minai & nikzad, 2017).

پرسشنامه سبک فرزند پروری چهار عاملی (FFPQ):

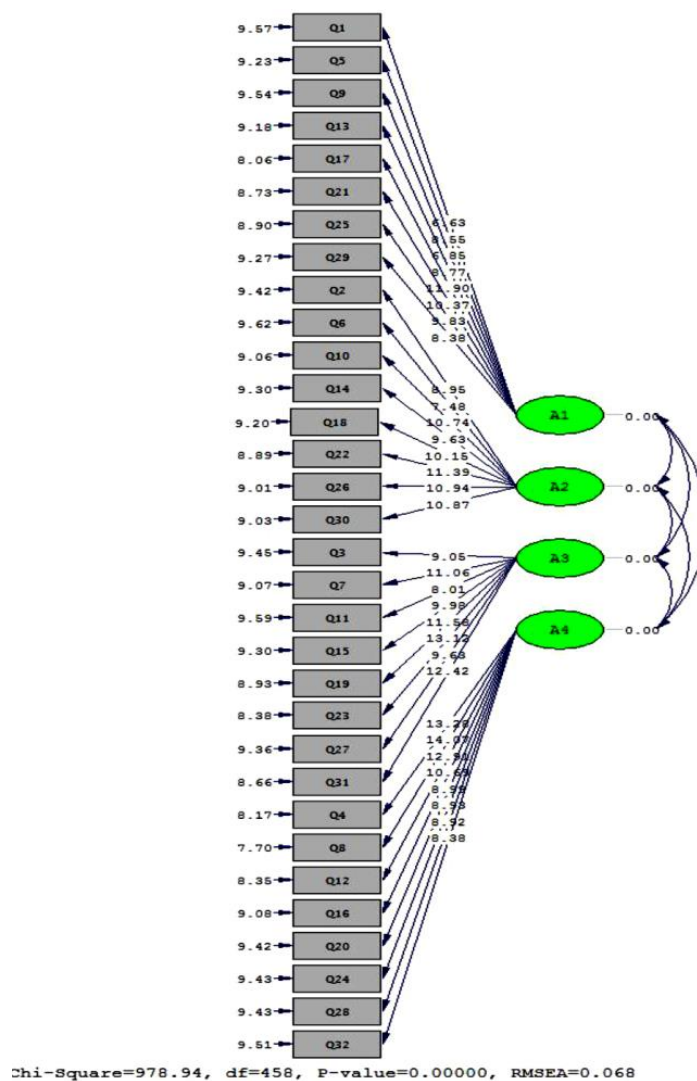
این پرسشنامه دارای ۳۲ سوال بوده و ۸ سوال برای عامل مستبدانه، ۸ سوال برای عامل سهل انگارانه، ۸ سوال برای عامل مقتدرانه و ۸ سوال برای عامل غافل دارد. پرسشنامه در سال ۲۰۱۷ توسط شینی در دانشگاه هراتیار هند طراحی شد. پیش نویس این پرسشنامه بر اساس نظریه بامریند و ابعاد سبک‌های فرزندپروری پیشنهاد شده توسط مک کوبی و مارتین ساخته شد. سوالات در مقیاس بر اساس توضیحاتی که ارائه شده توسط بامریند، مک کوبی و مارتین آماده شده اند. هنگام نوشتن موارد به همه محیط ها توجه می‌شود: حوزه هایی که والدین با آنها در تعامل هستند مانند مناطق

روایی صوری: جهت بررسی روایی صوری، پرسشنامه در اختیار سه نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه قرار گرفت و مورد تأیید آنان بود.

روایی سازه: برای سنجش کفایت برازش مدل، از تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. شکل ۱ مدل تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه سبک فرزند‌پروری چهار عاملی (استبدادی، اقتداری، سهل‌گیر و غافل) مرتبه اول پرسشنامه سبک فرزند‌پروری در حالت ضرایب معنی‌داری را نمایش می‌دهد.

باشد، درباره تعداد عوامل به طور آشکار فرضیه‌ای بیان می‌شود و برازش ساختار عاملی مورد نظر در فرضیه با ساختار کوواریانس متغیرهای اندازه‌گیری شده مورد آزمون قرار می‌گیرد که این تحلیل در این پژوهش به وسیله نرم‌افزار لیزرل انجام گردید. همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه، از آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش



آزادی (χ^2/df) برازش مدل را تایید می‌کند. χ^2/df که این عدد کمتر از ۳ است و به معنی برازش مدل با داده‌هاست. خطای ریشه مجذور میانگین تقریبی (RMSEA) برابر ۰/۰۶۸ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR) برابر با

براساس نتایج بدست آمده کلیه مقادیر t مربوط به پارامترهای مدل شامل بارهای عاملی و خطاهای استاندارد بزرگتر از ۱/۹۶ و معنی‌دار می‌باشند. طبق شاخص‌های برازش مدل عاملی، شاخص نسبت مجذور کای بر درجه

در این پژوهش، برای بدست آوردن روایی همزمان از پرسشنامه سبک فرزند پروری بامریند استفاده شد (تعداد برابر با ۶۰ نفر). جدول ۱ روایی ملاکی (همزمان) پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریند و سبک فرزند پروری چهار عاملی را نشان می دهد.

۰/۰۷۹ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچکتر است و در نهایت شاخص های RFI و NFI ، CFI ، IFI نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگتر هستند. در مجموع و با در نظر گرفتن مجموع شاخص های برازش محاسبه شده برازنده بودن مدل عاملی پرسشنامه سبک فرزندپروری مورد تایید قرار می گیرد.

بامریند	آزادگذار	اقتدار منطقی	استبدادی
عامل اول (استبدادی)	-۰/۱۳۱	-۰/۲۶۶	۰/۵۲۱**
عامل دوم (اقتداری)	۰/۰۷۱	۰/۴۱۲**	-۰/۰۷۶
عامل سوم (سهل گیر)	۰/۸۵۱**	۰/۱۱۷	۰/۱۰۸
عامل چهارم (غافل)	۰/۳۵۷*	-۰/۱۰۲	۰/۱۸۶
** معناداری در سطح ۰/۰۱. * معناداری در سطح ۰/۰۵.			

میزان پایایی در این پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده و نتایج آزمون آلفای کرونباخ جهت بررسی همسانی درونی سؤالات پرسشنامه در جدول ۲ ارائه شده است:

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، عوامل بدست آمده در پرسشنامه سبک فرزند پروری بامریند با عوامل پرسشنامه سبک فرزند پروری چهار عاملی همبستگی معنادار دارد.

پرسشنامه	تعداد سوال	آلفای کرونباخ
استبدادی	۸	۰/۸۱۹
اقتداری	۸	۰/۸۵۳
سهل گیر	۸	۰/۸۷۰
غافل	۸	۰/۸۸۶

۱. فراوانی نمره‌های خام به درصد و درصد تراکمی تبدیل شد.
 ۲. نمره‌های استاندارد معادل با هر یک از درصدهای تراکمی، در جدول توزیع طبیعی Z مشخص شد و نمرات Z بهنجار شده جهت حذف علائم منفی به نمرات T تبدیل شدند.

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می شود به طور کلی نتایج حاصل از بررسی پایایی پرسشنامه مورد استفاده نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای تمامی مولفه ها در حد مطلوبی می باشد.
 پس از حصول اطمینان از روایی و پایایی مقیاس، مراحل زیر جهت تبدیل نمره‌های خام به نمره‌های هنجار شده انجام گرفت:

جدول ۳: نمرات خام و هنجار شده عامل سبک فرزندپروری استبدادی

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تراکمی	Tنمره
12	1	۰/۵	۰/۵	۱۹/۳۰
14	2	۱	۱/۵	۲۳/۲۸
16	3	۱/۵	3	۲۷/۲۶
17	3	۱/۵	۴/۵	۲۹/۲۶
18	5	2/۵	7	۳۱/۲۵
19	3	۱/۵	۸/۵	۳۳/۲۴
20	4	2	۱۰/۵	۳۵/۲۳
21	2	1	۱۱/۵	22/37
22	5	2/۵	14	21/39
23	8	4	18	20/41
24	11	۵/۵	۲۳/۵	19/43
25	14	7	۳۰/۵	18/45
26	16	8	۳۸/۵	17/47
27	18	9	۴۷/۵	16/49
28	22	11	۵۸/۵	15/51
29	14	7	۶۵/۵	53
30	19	۹/۵	75	14/55
31	9	۴/۵	۷۹/۵	13/57
32	11	۵/۵	85	59
33	8	4	89	۶۱/۱۱
34	6	3	92	۶۳/۱۰
35	6	3	95	65
36	6	3	98	۶۷/۱
37	3	۱/۵	۹۹/۵	۶۹/۱
38	1	۰/۵	100	۷۱/۱
کل	200	100		

جدول ۴: نمرات خام و هنجار شده عامل سبک فرزندپروری اقتداری

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تراکمی	Tنمره
14	1	۰/۵	۰/۵	۱۴/۸۳
16	1	۰/۵	1	19
19	1	۰/۵	۱/۵	۲۵/۲۸

۲۷/۳۷	3	۱/۵	3	20
۲۹/۴۶	4	1	2	21
۳۱/۵۵	5	1	2	22
۳۳/۶۴	۶/۵	۱/۵	3	23
۳۵/۷۳	۸/۵	2	4	24
۳۷/۸۲	12	۳/۵	7	25
۳۹/۹۱	17	5	10	26
42	24	7	14	27
۴۴/۰۹	27	3	6	28
۴۶/۱۸	36	9	18	29
۴۸/۲۷	۴۴/۵	۸/۵	17	30
۵۰/۳۶	55	۱۰/۵	21	31
۵۲/۴۴	۶۵/۵	۱۰/۵	21	32
۵۴/۵۳	71	۵/۵	11	33
۵۶/۶۲	77	6	12	34
۵۸/۷۱	83	6	12	35
۶۰/۸۰	89	6	12	36
۶۲/۹	۹۰/۵	۱/۵	3	37
65	۹۵/۵	5	10	38
۶۷/۱	۹۷/۵	2	4	39
۶۹/۲	100	۲/۵	5	40
		100	200	کل

جدول ۵: نمرات خام و هنجار شده عامل سبک فرزندپروری سهل‌گیر

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تراکمی	آنمره
15	1	۰/۵	۰/۵	۱۹/۲۶
16	1	۰/۵	1	۲۱/۲۰
17	1	۰/۵	۱/۵	۲۳/۱۵
19	4	2	۳/۵	27
20	1	۰/۵	4	۲۹
21	2	1	5	۳۰/۹۳
22	2	1	6	۳۲/۸۷
23	6	3	9	۳۴/۸۲
24	4	2	11	۳۶/۷۶
25	6	3	14	۳۸/۷۱
26	8	4	18	۴۰/۶۵

۴۲/۶۰	۲۵/۵	۷/۵	15	27
۴۴/۵۴	31	۵/۵	11	28
۴۶/۴۹	38	7	14	29
۴۸/۴۳	۴۵/۵	۷/۵	15	30
۵۰/۳۸	۵۱/۵	6	12	31
۵۲/۳۲	61	۹/۵	19	32
۵۴/۳	66	5	10	33
۵۶/۲۱	74	8	16	34
۵۸/۲	۸۰/۵	۶/۵	13	35
۶۰/۱۱	87	۶/۵	13	36
۶۲	93	6	12	37
۶۴	۹۵/۵	۲/۵	5	38
۶۵/۹۴	96	۰/۵	1	39
۶۷/۹	100	4	8	40
		100	200	کل

جدول ۶: نمرات خام و هنجار شده عامل سبک فرزندپروری غافل

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تراکمی	آ-نمره
12	2	1	1	۲۰/۹۳
13	1	۰/۵	۱/۵	۲۲/۶۲
14	2	1	۲/۵	۲۴/۳۱
16	2	1	۳/۵	۲۷/۶۹
17	2	1	۴/۵	۲۹/۳۸
18	2	1	۵/۵	31
19	1	۰/۵	6	۳۲/۷۵
20	3	۱/۵	7/۵	۳۴/۴۴
21	3	۱/۵	9	۳۶/۱۳
22	4	2	11	۳۷/۸۲
23	8	4	15	۳۹/۵۱
24	13	6/۵	21/۵	۴۱/۲۰
25	7	۳/۵	25	۴۲/۸۹
26	13	6/۵	31/۵	۴۴/۵۸
27	8	4	35/۵	۴۶/۲۷
28	10	5	40/۵	۴۸
29	15	7/۵	48	۴۹/۶۵

۵۱/۳۳	56/۵	8/۵	17	30
۵۳	61/۵	5	10	31
۵۴/۷۱	69	7/۵	15	32
۵۶/۴۰	77	8	16	33
۵۸	82/۵	5/۵	11	34
۵۹/۷۸	87	۴/۵	9	35
۶۱/۴۷	90/۵	۳/۵	7	36
۶۳/۱۶	92/۵	2	4	37
۶۴/۸۵	94/۵	2	4	38
۶۶/۵۴	۹۶/۵	2	4	39
۶۸/۲۳	100	۳/۵	7	40
		100	200	کل

کلاسیک آزمون دارد. با این حال برخی از جنبه های کیفیت اندازه گیری فراتر از حوزه و گستره سستی نظریه کلاسیک آزمون قرار دارند. پیشرفتهای نسبتاً جدید در حوزه فنون تحلیلی، بررسی این مسائل را بسیار سهل و آسان کرده است. مسئله خاصی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت، آزمون روایی درونی و سازه پرسشنامه سبک فرزند پروری چهار عاملی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی است که پژوهشگر آن را به زبان فارسی ترجمه و هنجاریابی کرده است. روایی تعیین می‌کند که آیا پژوهش آنچه را قصد سنجش آن را دارد، به خوبی می‌سنجد یا نتایج پژوهشی تا چه حد درست هستند (Joope, 2000). پژوهشگران نوعاً با پرسیدن مجموعه ای از سوالها روایی را تعیین می‌کنند و غالباً پاسخها را در پژوهش دیگران جستجو می‌کنند. برای برازش مدل، حجم حدود ۲۰۰ نفر کافی می‌باشد (Hooman, 1384). در این پژوهش از شاخصهای خبی دو، نسبت خبی دو بر درجه آزادی، ریشه میانگین خطای برآورد، نیکویی برازش، برازندگی تعدیل یافته، برازندگی نرم شده و برازندگی نرم نشده استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده در این پژوهش و با توجه به مقادیر به دست آمده برای هر کدام از شاخصهای برازش مدل و حدود مجاز برای این شاخصها میتوان نتیجه گرفت که شاخصهای برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. جهت

در جداول ۳ تا ۶ نمرات خام و هنجار شده عوامل سبک‌های فرزندپروری استبدادی، اقتداری، سهل گیر و غافل نشان داده شده است که نشان می‌دهد نمره خام، رتبه درصدی و نمرات استاندارد این پرسشنامه بر روی مادران به چه میزان می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش اعتبارسنجی و بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه چهارعاملی با توجه به بافت و فرهنگ جامعه ایرانی بود. با وجود اینکه مدل‌های فرزندپروری غربی پیشرفت زیادی داشته اند، اما استفاده از پرسشنامه های فرزندپروری غربی به دلیل خطر تحمیل کردن قالب فرهنگ غربی در دیگر فرهنگ ها مجاز نمی باشد (Batool & Mumtaz, 2015). این مقیاس با توجه به فرهنگ شرقی کشور ایران می‌تواند به عنوان ابزاری معتبر، پایا و همچنین جامع که هر چهار بعد فرزندپروری را متناسب با فرهنگ شرقی مورد ارزیابی قرار می‌دهد، می‌تواند در جهت پر کردن خلا موجود در خدمت پژوهشگران قرار گیرد.

زمانی که یک ابزار روانسنجی از زبانی به زبان دیگر ترجمه می‌شود، باید ویژگیها و کیفیت اندازه گیری آن از نظر اعتبار و پایایی مورد مطالعه قرار گیرد. از نظر تاریخی، ارزیابی کیفیت اندازه گیری یک ابزار، ریشه در نظریه

- American parochial college students. *Journal of adolescence*, 32(2), 259-273.
- Abdul Gafor K, Kurukkan A. Construction and Validation of Scale of Parenting Style. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences*. 2014; 2(4):315-23.
- Arusubila, M., & Subasree, R. (2016). Parenting styles influencing personality development of catering students. *International Journal of Indian Psychology*, 4, 20-35.
- Batool, S. S., & Mumtaz, A. N. (2015). Development and validation of parenting style scale. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 225-248.
- Bornstein, M. H., & Genevro, J. L. (Eds.). (2014). *Child development and behavioral pediatrics*. Psychology Press.
- Chen, W. W. (2015). The relations between perceived parenting styles and academic achievement in Hong Kong: The mediating role of students' goal orientations. *Learning and Individual Differences*, 37, 48-54.
- Collins, W. A., Maccoby, E. E., Steinberg, L., Hetherington, E. M., & Bornstein, M. H. (2000). Contemporary research on parenting: The case for nature and nurture. *American psychologist*, 55(2), 218.
- Curtner-Smith, M. E., Culp, A. M., Culp, R., Scheib, C., Owen, K., Tilley, A., ... & Coleman, P. W. (2006). Mothers' parenting and young economically disadvantaged children's relational and overt bullying. *Journal of Child and Family Studies*, 15(2), 177-189.
- Desjardins, J., Zelenski, J. M., & Coplan, R. J. (2008). An investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. *Personality and individual differences*, 44(3), 587-597.
- Diaz, Y. (2005). *Associations between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children* (Doctoral dissertation).
- Doctoroff, G. L., & Arnold, D. H. (2017). Doing homework together: The relation between parenting strategies, child engagement, and achievement. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 48, 103-113.

روایی صوری، پرسشنامه در اختیار سه نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه قرار گرفت و مورد تأیید آنان قرار گرفت؛ همچنین در رابطه با روایی ملاکی از روایی همگرا استفاده شد که طبق یافته‌ها، همبستگی عوامل پرسشنامه چهار عاملی با پرسشنامه بامریند معنادار بود که دلیلی بر روایی ابزار می‌باشد؛ یعنی نتایج روایی ملاکی نشان داد که این پرسشنامه دارای روایی همزمان مطلوبی است. به طور خلاصه میتوان گفت که پرسشنامه روایی صوری، سازه و همزمان قابل قبولی دارد و از دید روانسنجی از لحاظ روش اجرا و سیستم نمره گذاری کارا است و میتوان از آن به عنوان یک ابزار توسعه یافته جدید در نمونه‌های مشابه استفاده کرد. برای بررسی پایایی از شاخص همسانی درونی الفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار آن بین ۰/۸۱۹ تا ۰/۸۸۶ و به لحاظ اماری معنادار بود یعنی ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر چهار عامل آزمون در حد مطلوبی است و با پژوهش شینی (shyny, 2017) همسو می‌باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که این پرسشنامه دارای ویژگیهای روانسنجی مناسب برای کاربرد پژوهش‌های روانشناختی و کار در کلینیک‌های روانشناسی می‌باشد. از محدودیتهای این پژوهش، استفاده از یک نمونه ۲۰۰ نفری از جمعیت شهری و اینکه نمونه از نظر قومیتی پراکندگی نداشت و اکثر افراد فارس بودند. همچنین، نمونه در دسترس برای اجرای آزمون انتخاب شد؛ لذا در پژوهشهای بعدی باید این محدودیتها لحاظ و مطالعات بیشتری بر روی نمونه‌هایی از شهرهای مختلف ایران صورت گیرد. استفاده از نمونه‌های ناهمگونتر در پژوهشهای بعدی پیشنهاد می‌شود. به عبارتی پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آینده، شهرهای مختلف ایران لحاظ شود و این پرسشنامه در جوامع و اقوام و فرهنگهای گوناگون هنجاریابی گردد.

منابع

- Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-

- García, O. F., Serra Desfilis, E., Zacarés González, J. J., & García, F. (2018). Parenting styles and short- and long-term socialization outcomes: A study among Spanish adolescents and older adults. *Psychosocial Intervention, 2018, vol. 27, num. 3, p. 153-161.*
- Goldstein, L. H., Harvey, E. A., & Friedman-Weieneth, J. L. (2007). Examining subtypes of behavior problems among 3-year-old children, part III: Investigating differences in parenting practices and parenting stress. *Journal of Abnormal Child Psychology, 35(1), 125-136.*
- Gorostiaga, A., Aliri, J., Balluerka, N., & Lameirinhas, J. (2019). Parenting styles and internalizing symptoms in adolescence: A systematic literature review. *International journal of environmental research and public health, 16(17), 3192.*
- Hooman, Haidar Ali. (1384). Structural Equation Modeling With LISREL Application. Tehran [Persian]
- Hollenstein, T., Granic, I., Stoolmiller, M., & Snyder, J. (2004). Rigidity in parent—child interactions and the development of externalizing and internalizing behavior in early childhood. *Journal of abnormal child psychology, 32(6), 595-607.*
- Joppe, M. (2000). The Research process. The Quantitative Report. *Understanding Reliability and Validity in qualitative Research Journal, 8(4), 597-607.*
- Martínez, I., & García, J. F. (2007). Impact of parenting styles on adolescents' self-esteem and internalization of values in Spain. *The Spanish Journal of Psychology, 10(2), 338-348.*
- Martínez, I., García, F., Musitu, G., & Yubero, S. (2012). Family socialization practices: Factor confirmation of the Portuguese version of a scale for their measurement. *Revista de Psicodidáctica, 17(1), 159-178.*
- Minaei, Asghar & Nikzad, Sepideh. (2017). The Factor Structure and Validity of the Persian Version of the Baumrind Parenting Style Inventory. *Journal of Family Research. Vol.13(1): 91-108; 2017*
- Miller-Lewis, L. R., Baghurst, P. A., Sawyer, M. G., Prior, M. R., Clark, J. J., Arney, F. M., & Carbone, J. A. (2006). Early childhood externalising behaviour problems: Child, parenting, and family-related predictors over time. *Journal of abnormal child psychology, 34(6), 886-901.*
- Musitu, G., & García, J. F. (2001). *ESPA29. Escala de socialización parental en la adolescencia.* Madrid: TEA ediciones.
- Kapungu, C. T., Holmbeck, G. N., & Paikoff, R. L. (2006). Longitudinal association between parenting practices and early sexual risk behaviors among urban African American adolescents: The moderating role of gender. *Journal of Youth and Adolescence, 35(5), 783-794.*
- Kenney, S. R., Lac, A., Hummer, J. F., Grimaldi, E. M., & LaBrie, J. W. (2015). Pathways of parenting style on adolescents' college adjustment, academic achievement, and alcohol risk. *Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice, 17(2), 186-203.*
- Kopko, K. (2007). Parenting styles and adolescents. Retrieved Nov, 20, 2011.
- Pardini, D. A., Fite, P. J., & Burke, J. D. (2008). Bidirectional associations between parenting practices and conduct problems in boys from childhood to adolescence: The moderating effect of age and African-American ethnicity. *Journal of abnormal child psychology, 36(5), 647-662.*
- Perry, R. A., Daniels, L. A., Bell, L., & Magarey, A. M. (2017). Facilitators and barriers to the achievement of healthy lifestyle goals: Qualitative findings from Australian parents enrolled in the peach child weight management program. *Journal of nutrition education and behavior, 49(1), 43-52.*
- Rhee, K. E., Lumeng, J. C., Appugliese, D. P., Kaciroti, N., & Bradley, R. H. (2006). Parenting styles and overweight status in first grade. *Pediatrics, 117(6), 2047-2054.*
- Ritchie, L. D., Welk, G., Styne, D., Gerstein, D. E., & Crawford, P. B. (2005). Family environment and pediatric overweight: what is a parent to do?. *Journal of the American Dietetic Association, 105(5), 70-79.*

- Schudlich, T. D. D. R., & Cummings, E. M. (2007). Parental dysphoria and children's adjustment: Marital conflict styles, children's emotional security, and parenting as mediators of risk. *Journal of abnormal child psychology*, 35(4), 627-639.
- Shyny, T. Y. (2017). Construction and Validation of PS-FFQ (Parenting Style Four Factor Questionnaire). *International Journal of Engineering Development and Research*, 5(3), 426-437.
- Smetana, J. G. (2010). *Adolescents, families, and social development: How teens construct their worlds*. John Wiley & Sons.
- Steinberg, L., & Silk, J. S. (2002). Parenting adolescents.
- Sun, J. (2005). Assessing goodness of fit in confirmatory factor analysis. *Measurement and evaluation in counseling and development*, 37(4), 240-256.
- Tellegen, C. L., & Sanders, M. R. (2012). Using primary care parenting interventions to improve outcomes in children with developmental disabilities: A case report. *Case reports in pediatrics*, 2012.
- Wake, M., Nicholson, J. M., Hardy, P., & Smith, K. (2007). Preschooler obesity and parenting styles of mothers and fathers: Australian national population study. *Pediatrics*, 120(6), e1520-e1527.
- Zubrick, S. Parenting and families Australia. Department of Families, Housing, Community Services and Indigenous Affairs: *LSAC Research Consortium Social Policy Research Paper 2008*; 34:1-216